

به نام خدا

تحلیلی بر دو پارادایم

آینده‌پژوهی مدین و آینده‌پژوهی دینی

همراه با واکاوی نقش شهود در این دو پارادایم

تالیف: دکتر علیرضا کیقبادی

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۲۶۵-۶۳-۵ ریال ۲۰۰۰۰ : 978-600-7265-63-5

شماره کتابشناسی ملی : ۵۱۳۶۰۲۳

عنوان و نام پدیدآور : تحلیلی بر دو پارادایم آینده پژوهی مدرن و آینده پژوهی دینی: همراه با واکاوی نقش شهود در این دو پارادایم/تالیف علیرضا کیقبادی.

مشخصات نشر : تهران: آینده پژوه، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری : ۲۵۳ ص.

موضوع : آینده پژوهی

موضوع : Forecasting -- Study and teaching

موضوع : آینده پژوهی -- جنبه های مذهبی -- اسلام

موضوع : -- Study and teaching -- Religious aspects -- Forecasting

موضوع : Islam

رد، بند، دیوبی : ۰۰۳/۲

رده بندی کنگره : ۱۳۹۷ ت ۵۹۳/۵۸۱ CB

سرشناسه : کیقبادی، علیرضا، ۱۳۵۱ -

عنوان: تحلیلی بر دو پارادایم آینده پژوهی مدرن و آینده پژوهی دینی: همراه با واکاوی نقش شهود در این دو پارادایم
نویسنده: دکتر علیرضا کیقبادی
ناشر: آینده پژوه

طرح جلد: مهران وطن دوست

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۷، ۵۰۰ جلد

قیمت: ۲۵۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۲۶۵-۶۳-۵

کلیه حقوق این کتاب متعلق به نویسنده است. هر نوع تکثیر یا چاپ تمام و یا بخش هایی از این کتاب به صورت نوشتاری یا الکترونیکی بدون کسب اجازه از انتشارات آینده پژوه ممنوع است. برای تهیه کتاب با تلفن ۸۸۴۶۳۷۸۷ یا ۰۹۱۲۵۳۸۷۸۴۷ نشر آینده پژوه تماس بگیرید.

فهرست

پیشگفتار ۷/

مقدمه. مفهوم و کارکردهای پارادایم / ۱۱

بخش ۱. پارادایم آینده‌پژوهی / ۱۹

فصل ۱. آینده‌پژوهی مدرن: مبانی و رویکردها / ۲۱

۱. تعریف آینده‌پژوهی از دیدگاه نظریه پردازان غربی / ۲۲

۲. مفاهیم و اصطلاحات آینده‌پژوهی / ۲۵

۳. اهداف آینده‌پژوهی / ۳۱

۴. انواع آینده / ۳۲

۵. رویکردهای آینده‌پژوهی / ۳۴

۶. تحلیلی بر مبانی نظری مطالعات آینده / ۳۸

فصل ۲. شناسایی و تحلیل پیشران‌های آینده / ۴۳

۱. تصویر آینده / ۴۴

۲. پیش‌بینی‌ها و روندهای جاری / ۴۵

۳. وزن گذشته / ۴۶

۴. پیشران‌های آینده‌ساز/۴۷

۵. عدم قطعیت‌های عمیق/۵۳

۶. شگفتی‌سازها/۵۵

۷. نتیجه‌گیری/۶۹

بخش ۲. پارادایم آینده‌پژوهی دینی/۷۱

فصل ۳. تعریف علم نافع بر اساس آیات و روایات اسلامی/۷۳

۱. تاک بر علم و علم‌آموزی از دیدگاه قرآن و احادیث/۷۳

۲. فضیلت علم نافع از نگاه دینی/۷۶

۳. مفهوم و ویژگی‌های علم نافع از دیدگاه ائمه معصومین(ع)/۷۷

فصل ۴. آینده‌پژوهی دینی: علم نافع از دیدگاه قرآن و روایات/۸۷

۱. آینده‌پژوهی از دیدگاه قرآن/۸۸

۲. آینده‌پژوهی از دیدگاه رسول‌گزار اسلام(ص)/۹۴

۳. آینده‌پژوهی از دیدگاه حضرت علی(ع)/۹۶

۴. آینده‌پژوهی از دیدگاه سایر ائمه معصومین(ع)/۱۰۱

۵. تحلیلی بر تفکر مهدویت و آینده‌پژوهی دینی/۱۰۲

۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری/۱۰۶

بخش ۳. تعریف و کاربرد شهود در آینده‌پژوهی/۱۱۳

فصل ۵. تعریف شهود از دیدگاه نظریه‌پردازان غربی/۱۱۵

۱. مفهوم شهود/۱۱۶

۲. انواع شهود و انتقال خرد/۱۲۴

۳- تفاوت تخیل و شهود/۱۳۵

۴. نتیجه‌گیری و جمع‌بندی/۱۳۷

فصل ۶. کاربرد شهود در آینده‌پژوهی مدرن/۱۴۱

۱. کاربرد شهود در حل مساله و تصمیم‌گیری /۱۴۱

۲. ترسیم سناریوها مبتنی بر منطق شهودی/۱۷۷

بخش ۴. تعریف و کاربرد شهود در آینده‌پژوهی دینی/۱۹۷

فصل ۷. تعریف شهود و معرفت شهودی از دیدگاه اسلام/۱۹۹

۱. تعریف شهود و معرفت شهودی از دیدگاه قرآن/۱۹۹

۲. شهود و معرفت شهودی در سیره پیامبر اکرم(ص)/۲۰۴

۳. کشف و شهود در اندیشه عرفا و نظریه‌پردازان اسلامی/۲۰۷

۴. جمع‌بندی نتایج/۲۲۱

فصل ۸. کاربرد شهود در منطق شهودی در آینده‌پژوهی دینی/۲۲۵

۱. تئوری‌ها و پارادایم‌های آینده/۲۲۵

۲. نقش شهود در آینده‌پژوهی دینی/۲۱۹

۳. نقش شهود در پی‌ریزی آینده جامعه/۲۲۳

پیشگفتار

امروزه تغییرات با نرخ سریع‌تری به وقوع می‌پیوندند. تغییرات فناوری و متعاقباً تغییر در دیگر جنبه‌های زندگی، افزایش روزافزون وابستگی متقابل کشورها و ملل، تمرکززدایی جوامع و نهادهای موجود که به دلیل گسترش فناوری اطلاعات شتاب بیشتری یافته است، تمایل روزافزون به جهانی شدن به همراه حفظ ویژگی‌های ملی، قومی و فرهنگی و بسیاری عوامل دیگر، لزوم درک بهتر از "تغییرات" و "آینده" را ایجاب می‌کند.

میل به آگاهی و شناخت آینده همواره در طول زندگی انسان از گذشته‌های دور وجود داشته است و اهمیت و نیاز به اطلاع از حوادث آینده به‌طور فردی در هیأت پیشگو و طالع‌بین بروز یافته است. در گذشته به واسطه سطح دانش و معرفت، این میل محدود به زمان‌های کوتاه در آینده بوده، ولی امروزه با رشد علم و توسعه فناوری‌ها، انسان به دوره‌های بلندمدت می‌اندیشد.

تبلور این نیاز را در عصر حاضر به صورت مطالعات آینده‌ها، من جمله در سازمان‌ها/ موسسه‌ها می‌توان مشاهده کرد. توجه به میزان افزایش علم در چند دهه اخیر نسبت به گذشته و حرکت شتابان جهان کنونی بر اساس دانش محوری، تصمیم‌گیران سازمان‌ها را ملزم به شناخت آینده و مطالعات آینده‌شناسی می‌کند. علاوه بر این

اکنون که به یاری یگانه پروردگار بخشایش‌گر این کتاب به سرانجام رسیده، وظیفه دارم سیاس‌بی‌پایان خود را نثار بزرگوارانی کنم که در این راه یاری‌گرم بودند.

پیش از همه نهایت قدردانی و سپاس خود را از جناب آقایان دکتر محمدرحیم عیوضی، دکتر علی اصغر جعفری و مهندس عقیل ملکی فر اعلام می‌دارم که الگوی علم‌آموزی، اخلاق و منش معلمی بوده‌اند و در پیشبرد این کتاب نیز با دقت و پیگیری کم‌نظیر خود نقش ارزنده‌ای داشتند. همچنین از سایر اساتید محترم که دیدگاه و راهنمایی‌های اندیشمندانه آنها هدایت‌گر و کارگشای پیشبرد کتاب بوده سپاسگزاری می‌کنم.

همچنین بابت قدردانی و سپاس خود را از سرکار خانم مرضیه فخرایی که با احساس مسئولیت و اظهار لطف، کتاب را ویرایش کرده و کمک کردند تا این کتاب به زیور صبیح آراسته گردد، اعلام می‌دارم.

امید است این کتاب که نتیجه هدایت‌ها و حمایت‌های بی‌دریغ این اساتید فرهیخته و دیگر بزرگواران مسانده است بتواند گام کوچکی در راه بلند اعتلای ایران اسلامی باشد.

در انتها امیدوارم خوانندگان محترم راه مطالعه این کتاب به درک درست و بالایی از این مبحث کلیدی نایل شده و اینجانب را نیز از نقطه نظرات سازنده خود محروم نفرمایند.

□ با سپاس مجدد

علیرضا کیقبادی

مفهوم و کارکردهای پارادایم

۱. مفهوم پارادایم

واژه پارادایم^۱ از کلمه یونانی "پارادیگم"^۲ به معنی الگوواره یا مثالواره گرفته شده است. پارادایم نخست به معنی "الگو و مدل" مورد استفاده قرار گرفت و از سال ۱۹۶۰ به الگوی تفکر در هر رشته علمی گشته شد. (ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد)

لغت‌نامه مریام-وبستر این واژه را چنین تعریف می‌کند: "چارچوب فلسفی و نظری از یک رشته یا مکتب علمی در کنار نظریه‌ها، قوانین، کلیات و تجربیات به دست آمده که قاعده‌مند شده‌اند".

به اعتقاد مورن، پارادایم، اصطلاحی است که در فلسفه علم به کار گرفته می‌شود و مقصود از آن، اصولی است که بر بنیانش ما نسبت به چیزها و جهان حاکم است. (ادگار مورن، درآمدی بر اندیشه پیچیده، ۱۶)

اصطلاح پارادایم به معنای کنونی آن، نخستین بار توسط "توماس کوهن" در کتاب "ساختار انقلاب‌های علمی" به کار رفت و مدل جدیدی را برای تبیین چگونگی رشد و توسعه علوم ارائه کرد؛ کوهن که در زمینه تاریخ علم تحقیق می‌کرد، متوجه

^۱ Paradigm

^۲ paradeigma

شد که تفسیرهای سنتی از علم، خواه (استقراء‌گرا) و خواه (ابطال‌گرا)، با شواهد تاریخی تطبیق نمی‌کند. از این رو کوشید تا درباره علم نظریه‌ای طرح کند که با واقعیات تاریخی، آنگونه که او می‌بیند، تطابق داشته باشد.

به اعتقاد او، در هر دوره از تاریخ علم، یک جریان منسجم و یکپارچه که از اصول و قوانین علمی نزدیک به هم بهره می‌برند، حاکم بر فضای علمی است. او این جریان را پارادایم نامید. مطابق تعریف کوهن پارادایم مشتمل است بر مفروضات کلی نظری و قوانین، و فنون کاربرد آنها که اعضای جامعه علمی خاصی آنها را پذیرفته و به کار می‌گیرد.

بر اساس ایده توماس کوهن، پارادایم آن چیزی است که اعضای یک جامعه علمی با هم و هر کدام به تنهایی در آن سهیم هستند. مجموعه‌ای از مفروضات، مفاهیم، ارزش‌ها و تجربیات که روشی را برای مشاهده واقعیت جامعه‌ای که در آن سهیم هستند، ارائه می‌کند. پارادایم اصطلاح فراگیری است که همه پذیرفته‌های کارگزاران یک رشته علمی را در بر می‌گیرد و چارچوبی را فراهم می‌سازد که دانشمندان برای حل مسائل علمی در آن محدود شده‌اند و عمل می‌کنند. مثلاً حسابداری: علمی با پارادایم‌های گوناگون است یا علوم تربیتی موضوع و پارادایم‌های گوناگونی را تشریح می‌کند. به اعتقاد او فعالیت‌های پراکنده و گوناگونی که قبل از تشکیل و پی‌ریزی یک علم صورت می‌گیرد، نهایتاً پس از اینکه به یک پارادایم مورد پذیرش جامعه علمی تبدیل شد، منظم و هدفدار می‌گردد.

کوهن معتقد است پارادایم یک علم تا مدت‌های مدید تغییر نمی‌کند و دانشمندان در چارچوب مفهومی آن مشغول مطالعه و بررسی هستند، تا آنکه پس از مدتی این جریان منسجم به هر دلیلی توانایی خود را در تبیین و پاسخگویی به مسائل جدید علمی از دست می‌دهد.

اینجاست که پارادایم دیگری که بتواند مدل منسجم و کاملی برای تبیین و توجیه نظاممند مسائل علمی ارائه کند، جایگزین آن خواهد شد. برای نمونه فیزیک ارسطویی به لحاظ ناتوانی در درک و فهم مسائل جدید فیزیکی، جای خود را به فیزیک نیوتنی داد.

دوران انتقال پارادایم، دورانی استثنایی برای شکار فرصت‌هاست. در بستر یک پارادایم جدید فرصت‌های جدیدی برای همه و از جمله سازمان‌هایی که حتی از قبل نامی از آنها نبوده، نیز به وجود خواهد آمد. تصویر کوهن از شیوه پیشرفت یک علم را می‌توان به وسیله نمودار زیر خلاصه کرد:



در مرحله پیش‌علمی^۱ هیچ پارادایم غالبی برای تعریف حوزه علمی، فعالان آن حوزه، مشکلات آن حوزه و نیز سمت و سوی فعالیت‌های آن به چشم نمی‌خورد. این مرحله را مرحله کثرت‌گرایی پارادایمی^۲ می‌نامند؛ چون هیچ پارادایم واحدی بر آن حاکم نیست.

مرحله علم عادی؛ هنگامی تحقق می‌یابد که پارادایمی واحد^۳؛ به طور کامل بر آن حوزه علمی تسلط یابد. پارادایم حاکم، مشکلات حوزه و راه حل آنها را تبیین می‌کند. این مرحله با پیشرفت‌هایی شگرف همراه خواهد بود؛ البته پیشرفت‌هایی که بیشتر، نوبتی عملیات پاکسازی هستند. پژوهشگران درون یک پارادایم، خواه مکانیک نیوتنی باشد، خواه علم اتمار موجی، شیمی تحلیلی باشد یا هر چیز دیگر، به امری مشغولند که همان را علم عادی می‌نامند.

مرحله آغاز تردید؛ هنگامی شروع می‌شود که ناسازگاری‌ها و عدم قطعیت‌ها، دیگر به آسانی در چارچوب پارادایم حاکم قابل رفع نیستند و به مثابه ناهنجاری‌هایی^۴ دائمی شناخته می‌شوند. برخی از اعضای جامعه علمی طرح پرسش‌هایی را آغاز می‌کنند که در چارچوب پارادایم حاکم پاسخ روشنی برای آنها وجود ندارد؛ هدف آنها نادان جلوه دادن دیگر دانشمندان و خلل‌پذیر نشان دادن برخی ابعاد پارادایم حاکم است.

مرحله بعد، وقوع انقلاب علمی^۵ است. در این مرحله پارادایمی تازه پیشنهاد خواهد شد؛ پارادایم جدید، به عنوان جایگزینی قابل قبول، پارادایم پیشین را به مبارزه می‌خواند. این مرحله، در واقع دوران نزاع حامیان و پیروان پارادایم‌های کهنه و تازه است؛ جدال بر سر کنترل کتاب‌ها و نشریه‌های تخصصی، تلاش برای دست آوردن کمک هزینه‌های پژوهشی، و سرانجام، مبارزه بر سر نامه‌های نشست‌ها و همایش‌ها در سازمان‌های حرفه‌ای! در فهم کوهن از فرایند و تغییر، انقلاب‌های علمی متعددی

^۱ PRESCIENTIFIC

^۲ paradigmatic pluralism

^۳ emergence of a unified paradigm

^۴ beginning of doubt

^۵ Anomalies

^۶ SCIENTIFIC REVOLUTION

وجود دارد. کوهن در این زمینه جمله‌ای را از ماکس پلانک نقل می‌کند «حقیقت جدید علمی با قانع شدن مخالفان و روشن کردن آنان غلبه نمی‌یابد، بلکه مخالفان سرانجام می‌میرند و نسل جدید نیز با پارادایم جدید پرورش می‌یابد» این اتفاق انقلاب علمی یا پارادایم شیفت است. (ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد)

مرحله بازگشت علم عادی^۱؛ گام پایانی است و هنگامی تحقق می‌یابد که پارادایم تازه بر حوزه علمی حاکم شود. درونمایه، قلمرو و اعضای جامعه علمی آن حوزه، بار دیگر به معنی توصیف می‌شوند؛ بار دیگر تلاش‌ها، جملگی به تعریف مسائل علمی و حل آنها، البته در چارچوب پارادایم حاکم تازه، معطوف می‌شود و در چارچوب همین پارادایم، بار دیگر پیس فت‌هایی عظیم، همراه با عملیات پاکسازی، حاصل می‌شود. سرنوشت دانش‌ندان هم که تا آن زمان به پارادایم جدید نگرویده‌اند، چندان مبهم نیست؛ مرگ، بازنشانی، برگشت به دوران تدریس برای دانشجویان کارشناسی یا خروج خودخواسته از حوزه علمی - که البته گاه نیز این خروج با اجبار دیگران صورت می‌گیرد. پس از آن، تردیدها در باره رخ می‌نمایند و سرانجام مجموعه فرایند دوباره تکرار خواهد شد. (کوهن، ۱۹۶۲؛ فرد، ۱۹۷۱؛ بلوم، ۱۹۷۰)

۲. کارکردهای پارادایم

علاوه بر ماهیت، توجه به کارکردهای پارادایم نیز بسیار جذاب است. هر پارادایمی محدوده‌ای را تعریف کرده و در آن محدوده، قواعدی را حاکم می‌سازد. این قواعد بسیار مهم هستند و تنها با درک عمیق و بهره‌گیری از آنهاست که موفقیت امکان‌پذیر می‌گردد.

"تولید انبوه" در عرصه‌ای که قواعد "تولید ناب" حاکم است، نمی‌تواند موفقیت‌آور باشد. کسب‌وکار نیز به دور از قاعده "عرضه و تقاضا" کاری بی‌فایده است.

کارکرد مهم دیگر پارادایم، ایجاد ساختاری برای پیش‌فرض‌ها، باورها و برداشت‌های مشترک است. پارادایم دیدگاه انسان نسبت به حقیقت را بنا می‌کند و به او طریق

^۱ .Recurrence of normal science

درک مسائل را نشان می‌دهد. پارادایم به انسان قدرت تجزیه و تحلیل مسائل پیچیده و نظم‌دهی به اجزای آن را می‌بخشد و مبنایی را برای قضاوت‌های او فراهم می‌سازد. "صحیح یا غلط" بودن و چگونگی رسیدن به این نتایج نیز منبعت از پارادایم حاکم است. پارادایم‌ها اگرچه کامل نیستند، ولی حتی در چنین شرایطی نیز برای انسان‌ها راهگشا خواهند بود.

عده‌ای بر این باورند که پارادایم را نمی‌توان تعریف کرد، ولی می‌توان آن را تشخیص داد. به عبارت دیگر می‌توان گفت پارادایم تعریف‌ناپذیر است و ما به پارادایم آگاه نیستیم، بلکه به آن داناییم.

حال باید دانست آیا معرفت ما به پارادایم نوعی معرفت ضمنی^۱ نیست؟

به نظر می‌رسد معرفت ما به پارادایم، در حوزه حکمت عملی قرار دارد؛ نوعی فهم بنیادین که نه ضمنی است و نه صریح، بلکه فرعی است مقدم به هر نوع شناخت. اینکه پارادایم نمی‌تواند ابزار شناخت قرار گیرد ریشه در نتیجه و دستاوردی بس مهم به دنبال دارد: اعتبار و گستردگی پارادایم مهمترین دستاورد آن است. نتیجه مهم دیگر آن افزایش روزافزون دقت پارادایم در حوزه دستاوردهای آن است. و این تا زمانی است که پارادایم دچار بحران‌های فراگیر نگردد است، یعنی تا وقتی که هنوز در حوزه علم عادی قرار داریم.

پارادایم، سرمشق و الگوی مسلط و چارچوبی فکری و رفتاری است که مجموعه‌ای از الگوها و نظریه‌ها را برای یک گروه یا یک جامعه شکل می‌دهد. هر گروه یا جامعه، "واقعیات" پیرامون خود را در چارچوب الگوواره‌ای که بدان عادت کرده، تحلیل و توصیف می‌کند.

الگوواره‌هایی که از زمان‌های قدیم موجود بوده‌اند از طریق آموزش محیط به افراد، برای فرد به صورت چارچوب‌هایی "بدیهی" در می‌آیند.

کوهن تئوری جاری را پارادایم نمی‌نامد، بلکه جهان‌بینی موجود را که آن نظریه در قالب آن شکل گرفته و همه کاربردهایی که از آن حاصل شده است را پارادایم می‌نامد.

^۱ knowledge tacit

نکته مهم در رویکرد پارادایمی به علوم، خاصیت غیرانباشتگی علم است که نشان می‌دهد که در هر پارادایم صرفاً یک سری قضایای علمی مرتبط با هم هستند که به صورت یک الگوی تبیین مورد استفاده دانشمندان قرار می‌گیرد و در پارادایم بعدی همه چیز دوباره از صفر شروع می‌شود و ملاک قدرت و ضعف یک جریان و نظریه علمی صرفاً توان توجیه مسائل و پدیده‌های علمی است. (آزاد ارمکی، نشریه ایران، ۸۱/۸۱)

اصطلاح پارادایم در حوزه‌های مختلفی از علوم در جهت تحلیل واقعیت به کار گرفته شده است و حتی عده‌ای با ارائه تفسیر متفاوتی از پارادایم، حضور همزمان چند پارادایم موازی را در یک دوره تاریخی ممکن دانسته‌اند، مثلاً به انقلاب کپرنیک در حوزه فیزیک می‌توان اشاره نمود که منجر به تحولی عظیم در نحوه نگرش انسان‌ها و جوامع به جهان هستی گردید.

پارادایم‌ها بر اساس اینده‌ها، محور علمی بحثشان چیست، به تئوری‌های خرد و کلان تقسیم می‌شوند. تئوری‌های کلان به بخش‌های بزرگ جامعه توجه دارد، مثل مارکسیسم. تئوری‌های خرد به روابط بین افراد می‌پردازد. مانند نظریه کنش متقابل در تاریخ علوم طبیعی.

از پارادایم‌های عمده در علوم اجتماعی می‌توان از اثبات‌گرایی اولیه آگوست کنت، داروینیسم اجتماعی، الگوی تبیینی کشمکش و کنش متقابل نمادین، نام برد. در آخر درباره خصوصیات پارادایم می‌توان گفت:

- ۱- پارادایم‌ها متغیرند، درحالی که باثبات جلوه می‌کنند. (آزاد ارمکی)
- ۲- با تغییر پارادایم‌ها همه به وضعیت صفر بازخواهند گشت. تحول برگشت به صفر)
- ۳- معمولاً پارادایم‌های جدید را افراد جدید می‌آورند.
- ۴- پیشتازی در پذیرش پارادایم جدید به شجاعت، اعتماد به نفس و آینده‌نگری نیازمند است.

۳. آینده‌پژوهی مدرن: پارادایم یا چارچوب فرارشته‌ای

آینده‌پژوهی مدرن هم نوعی پارادایم تلقی می‌شود، چون مانند هر حوزه علمی دیگری بر مجموعه‌ای از پیش‌فرض‌ها و مبانی فلسفی استوار است و از روش‌ها و نظریه‌های خاصی استفاده می‌کند. وندل بل در این زمینه می‌نویسد: "آینده‌پژوهی، حوزه‌ای پژوهشی و تازه است که تفکری نظام‌یافته و صریح در مورد آینده‌های بدیل دارد. این حوزه پژوهشی در حال رشد، بر پایه مفروضات و دورنمایی ویژه استوار است و روش‌ها، روش‌ها و نظریه‌های ویژه‌ای را به کار می‌بندد." (وندل بل، ۱۳۸۹)

سهیل عنایت‌اله آینده‌پژوه پاکستانی‌الاصل و صاحب کرسی در دانشگاه‌های معتبر دنیا نیز به همین روش است. او تعریف آینده‌پژوهی را تأکید دارد و می‌گوید: "آینده‌پژوهی، مطالعه و بررسی نظام‌مند آینده‌های ممکن، محتمل و مطلوب، دیدگاه‌ها، جهان‌بینی‌ها و استعاره‌های بنیادین هر آینده است" (عنایت‌اله سهیل، ۱۳۸۸)

آینده‌پژوهان به هنگام تلاش برای برآوردن نگرش‌های معرفتی آینده‌پژوهی، کارکردی مشابه دانشمندان دارند